

گنج‌ه شعر

هیس! گل‌ها خواب‌اند

علیر شامسعی
نویسنده

امیری اسفندقه اشعار ۲۷،۲۶ سال قبل است. کارها در هشت بخش منظم شده‌اند. چهار فصل اول نیمایی هستند؛ فصل پنجم شامل نیمایی‌هایی است که در غم نبود قیصر امین‌پور سروده شده و همچنین جداگانه سه غزل و هشت رباعی در دنباله می‌آید تا اینکه در مطلبی کوتاه به نام «فرجامینه» کتاب به ایستگاه پایانی می‌رسد. انتشارات شهرستان ادب همه اینها را میان طرح جلدی نسبتاً دلچسپ پیچیده تا در اسفند ۹۷ آن را در ۱۶۷ صفحه روی خروجی فروشش بگذارد. کتاب به «گلین بطحایی، آن خلاصه زندگی و زیبایی» تقدیم شده و اشعار تا به غزل‌ها و رباعی‌ها برسد، همه با پیشوند «نیمایی (واره) نام‌گذاری شده‌اند؛ یعنی مثلاً نیمایی‌واره مرگ، نیمایی‌واره قیصر والی آخر. به این ترتیب مطمئن می‌شویم داریم خلاصه تجربه اندوزی شاعر در قالب نیمایی را می‌خوانیم. فصل بندی‌ها و همین‌طور ترتیب اشعار با دقت تمهید شده‌اند: «اولین شعر، شبیه زندگینامه خود را نوشته است که نام «شناسنامه» بر پیشانی دارد و این‌طور آغاز می‌شود «یک نیمه من اصفهانی / یک نیمه کرمانی است». در ادامه مانند شاعران قدیم که در ابیاتی نام و محل تولد و ویژگی‌های خود را به نظم می‌آورند، خود را معرفی می‌کند «میلاد من در پایتخت خسته رخ داد... مشبه‌دم مرا از کودکی دیده است» سپس «نیمایی‌واره وقت» را می‌خوانیم و «شعر»، «شاعر»، «سرشک» و «مرگ» عناوین بعدی هستند.

شاعر حساسیت وسواس گونه‌اش در ترتیب اشعار را هرگز فروگذار نمی‌کند و در فصل دوم از «کولی» به «دختر کل فروش» و از آنجا به «خانه» و سپس به «عزم» می‌رود.... این رویه تا نیمایی‌واره قیصر ادامه دارد. در این فصل خاطره‌ای از قیصر امین‌پور، شنیدن خبر فوتش، تیرگی شهر در فقدان شاعر و دلخستگی بازماندگانی که سروده می‌شوند. بازماندگانی که هر چند با او پیوند «نسبی» و فامیلی نداشتند ولی پیوند محکم «سبی» یعنی شاعرانه داشتند. لذا از آنجا که گفته‌اند «آدمی، شاعرانه در زمین سکنی دارد» با فقدان شاعر غم بزرگ در هوا پراکنده می‌شود. این فصل با قطعه‌ای به پایان می‌رسد که به به استقبال مشهورترین سطر امین‌پور رفته است. شعری که همه جا می‌شنویم «گاهی چه زود دیر می‌شود». حالا اسفندقه نوشته «روز ناگزیر آمد و نماند/ هیچ فرصت گریز/ آه / قیصر عزیز» این تلمیح و اشاره چندان ظریف و غیرمستقیم است که اگر دقت نکنیم درمی‌یابیم که یکدیگر را به یاد می‌آورند. بعد از این قطعه دیگر نظم چندانی در کار نیست؛ سه غزل و هفت رباعی می‌آیند که در مورد مطالب پراکنده‌اند و انگار دارند می‌گویند: «افسوس، بین در غیاب شاعر بزرگ، چطور سر رشته نظم امور از دست رفته است. کل کتاب یادآور عروسک‌های قدیمی روسی است که به آنها ماترنبوشکا» می‌گویند و همه ما چند نمونه از آن را اینجا و آنجا دیده‌ایم. عروسک‌های درهم‌شونده‌ای که درون هم جا می‌گرفتند و اصل آنها همان عروسک مخصوص شب عید مسیحیان است تخم مرغی که درونش یک جوجه بود و خودش توی عروسک مرغ با خروسی پنهان می‌شد. در واقع امیری اسفندقه یک عقیده قدیمی را دنبال کرده است. عقیده‌ای که می‌گوید چیزی در هسته زندگی است که با لایه‌های بعدی کامل و البته متکثر می‌شود وحدتی که در عین حال کثرت است. این همان نکته اساسی است که در مثنوی‌های بزرگ ایرانی- اسلامی دیده می‌شود. مثنوی‌های بزرگ- به استثنای مثنوی معنوی مولانا که از هر جهت استثنایی است- با مناجات آغاز می‌شوند و سپس با منقبت پیامبر اکرم(ص) ادامه می‌یابند و آنگاه به اصل داستان می‌رسند. در این دیدگاه باستانی هر قصه‌ای حول مبدا هستی تنیده شده است.

در کتاب امیری اسفندقه تولد که ابتدا دانسته شده با وقت، شعر و شاعر ادامه می‌یابد و هر شعر لایه و جزء دیگری از هستی را می‌نمایاند. در حقیقت کتابی که پیش رو داریم می‌تواند با فرم ترتیب اشعار و فصل‌ها قضاوتی درباره کل زندگی باشد. انگار کلیت کتاب، کلیت زندگی را محاکات می‌کند.

امیری اسفندقه در این کتاب خواسته تکلیفش را با زندگی معلوم کند. دست کم با بعضی چیزهایی که بسیار مهم می‌داند. این کار بعد از ترتیب و نظم کتاب در «فرجامینه» جمع‌وجور شده است؛ جایی که نوشته «هستی بی‌شعر معلوم نیست و نامعلوم است و برگ برنده هم در کف اوست که جهان اجتماع حروف است و بس.» او در مقاله فرجامینه گفته می‌خواهد ایده نیما بوشیج را پی بگیرد و کنایه زده که اگر به اوزان عروضی توجه شود لازم نیست که شعر بی‌وزن بنویسیم. زیرا به جور عروضی گوشه‌های موسیقایی و از آنجا جهان را می‌نمایند. او به درستی می‌گوید که «برده‌های خاص موسیقی عروض پارسی... در عروض نیمایی روشن‌تر و طبیعی‌تر آمده‌اند تا نغمه سر دهند» و با نگاهی به اشعار کتاب نشان می‌دهد چطور از عهده این کار برآمده است. اما هر قدر کتاب از لحاظ توجه به طرافات‌های عروضی پربار است از نقطه نظر صور خیال فقیر به نظر می‌رسد. مثلاً نباید کنید به «تهران / خوابیده بود گرم / شب بود و چشم من / بیدار بود و خسته نمی‌شد / گفتم روم به خواب و بینم خواب / اما / چشمم به هر بهانه بسته نمی‌شد....» در اشعار اسفندقه از این دست فقرات کم نیست و اگر ساختن بعضی ترکیبات مانند «فرصت صاف حیاط» و صوری نظیر «ای تمام لحظه‌های لخته بسته‌ام» یا بازگوشی‌های نحوی مثل «سال گذشته / بد در تمام لحظه‌های روز حالم بود» نبودند واقعا ممکن بود در هنگام خواندن کتاب خواب‌مان ببرد. نیما گفته بود شاعر باید دنیای شاعرانه‌ای بسازد ولی در مقالات «ارزش احساسات» تکلیف را روشن کرده و اصرار دارد که شاعر، هرگز مردی احساساتی نیست. اما اگر توجه اسفندقه به عروض و ساختار کتابش نبود احتمال داشت به خاطر لحظه‌هایی که فقط به نوشتن احساسات اکتفا کرده، کتابش را کنار بگذاریم.



فرهنگ

در نشست خبری سریال «مینو» در نخلستان اوج چه گذشت

غزالی: اینستاگرام ملاک انتخاب بازیگرها شده است



درباره تجربه در این سریال می‌گوید: «آقای پوروزیری به متن اعتقاد زیادی داشت، ضمن اینکه تولید و ساخت در لحظه اتفاق می‌افتد. مثلاً سر صحنه ما اتود بسیاری زدیم و «مینو» ماحصل کار یک گروهی است هرچند نویسندگان از ابتدای کار با کارگردان همراهی کردند و «مینو» حاصل یک کار جمعی شد.»

مساله حاشیه‌ای برای این سریال نوع حجاب بازیگران بود، مثلاً پروانه معصومی که موهایش بیرون است و در برخی صحنه‌ها برای بازیگران دیگر هم این مساله تکرار می‌شود، همین سوژه خبرنگاران شد و در سوال هایشان این موضوع را پرسیدند، پوروزیری در پاسخ به این سوال‌ها گفت: «تصویر واقعی‌تر از مردم برای خودشان دلنشین است. گاهی به من می‌گفتند فلان کار ممنوعیت تلویزیونی دارد اما خودم در این جامعه زندگی می‌کنم و می‌دانم چه چیزی خط قرمز است. در واقع ما در این کار نشان دادیم که چه چیزی خط قرمز است و چه چیزی خط فرضی است. مخاطب در این سریال یک زندگی واقعی را دید و فکر می‌کنم حرمت موی سفید خانم معصومی خیلی بیشتر از آن است که درباره‌اش حتی فکر کنیم.»

پوروزیری درباره سختگیری از سوی سازمان اوج برای ساخت سریال یا ایجاد محدودیت برای آنها در طول ساخت این سریال گفت: «دوستان سازمان رسانه‌ای اوج برای ما

بود اما چون سریال دیگری با همین نام ساخته شد، نام آن را به «مینو» تغییر دادیم. البته باید بگویم شانس هم آوردیم چون انگار اسم خانم برای یک سریال گذاشتن تا مدتی در تلویزیون ممنوع بوده است، اما خب برای ما اتفاقی نیفتاد و مخالفتی نشد.»

عباس غزالی که بازی خویش در سریال «وضعیت سفید» از یادها نمی‌رود، نفر بعدی این تیم بود که صحبت‌هایش را شروع کرد: «من قبلاً هم گفته‌ام که در انتخاب نقش‌هایم وسواس دارم. فیلمنامه «مینو» برایم بسیار جذاب بود و اینکه از زمان پایان تصویربرداریان مدتی می‌گذرد اما هنوز هم با کارگردان ارتباط دارم و حین پخش احساسات‌مان را به هم منتقل می‌کنیم و تجربه خوبی از حضور در این سریال دارم.» مهدیه نساج، بازیگر نقش «مینو» هم که بازی‌اش مورد توجه همه‌قرار گرفته است، گفت: «سریال مینوسختی‌های عجیب و غریبی داشت و بسیاری از این سختی‌ها در طول کار دیده نمی‌شود. مثلاً در قسمتی که قرار بود از یک پنجره به بیرون بپریم، ۴۰ بار این صحنه تکرار شد و در آخرین سکانس من کاملاً دستم می‌لرزید، سریال بسیار صحنه‌های احساسی سنگینی داشت. تا الان بازخوردها حاکی از لطف و نظرات

مثبت بوده و امیدوارم همین‌طور بوده باشد.» سلیمان فرخنده که هم بازیگر این سریال است و هم در نوشتن فیلمنامه و انتخاب بازیگران هم فعالیت داشته است،

سینمای جهان

هشدار نتفلیکس نسبت به تقلید از بازیگر «جعبه پرنده»

خودنوشته است: «باور نمی‌کنم که این را باید بگویم، ولی لطفاً با این چالش جعبه‌پرنده به خودتان آسیب نزنید. ما نمی‌دانیم این ماجرا از کجا شروع شد و از عشق و لطف شما ممنونیم ولی «دختر» و «پسر» (شخصیت‌های خردسال فیلم) تنها یک آرزو برای ۲۰۱۹ دارند و آن این است که بابت این بازی‌های اینترنتی کارتان به بیمارستان نکشد.» بنابر آمار یوتیوبر، در ۳۰ روز گذشته بیش از هشت میلیون توییت درباره «جعبه‌پرنده» در این شبکه اجتماعی پست شده است.

در این بین مادری با بازی ساندرا بولاک با بستن چشمان خود و فرزندانش در تلاش است تا با عبور از جنگل جان خود را نجات دهند. حال تحت تاثیر این فیلم، هشتگی در شبکه‌های اجتماعی راه افتاده است که در آن مردم به تقلید از داستان «جعبه‌پرنده» تلاش می‌کنند با چشمانی بسته دست به انجام کارهای روزمره‌ای بزنند که می‌تواند بسیار خطرآفرین باشد. این چالش توجه نتفلیکس را برانگیخته و این کمپانی با نوشتن توییتی نسبت به عواقب این کار هشدار داده است. نتفلیکس در توییت

پیش‌نامش با ثبت یک رکورد تیتیر خبرگزاری‌ها شد و آن خبر نتفلیکس مبنی‌بر این بود که این فیلم با ۴۵ میلیون بازدید رکورد بالاترین تعداد بیننده در هفت روز اول اکران یک محصول در تاریخ این کمپانی را از آن خود کرده است. «جعبه‌پرنده» درامی ترسناک و پسرستاخیزی است که از کتابی به همین نام به قلم جاش مالرمن اقتباس شده است. فیلم درباره نپرو و موجودات عجیبی است که در سرتاسر جهان پخش شده و هرکس به آنها نگاه کند با خودکشی خود را از بین می‌برد.

چارسو

رضا توکلی و عمل جراحی قلب باز



رضا توکلی، بازیگر سینما و تلویزیون که در اولین روز از فیلمبرداری فیلم سینمایی «بیراهه» دچار حمله قلبی شد و همکارانش او را به بیمارستان رساندند، هفته گذشته تحت عمل جراحی قلب باز قرار گرفت و روز گذشته، فرزند او در گفت‌وگو با باشگاه خبرنگاران جوان اعلام کرد که این عمل موفقیت‌آمیز بوده است. وی با بیان اینکه پدرم همچنان در «آی‌سی‌یو» قرار دارد و ممنوع الملاقات است، گفت: «پزشکان گفته‌اند که ایشان باید شرایط ایزوله‌ای داشته باشند» و افزود: «پدرم با ادامه این روند چند روز دیگر به بخش منتقل می‌شود و باید دوران نقاهت ۲۰ روزه‌ای را سپری کند.» رضا توکلی پیش از این با اشاره به سابقه حمله قلبی‌اش گفته بود: «بر اثر استرس چند بار این اتفاق برایم رخ داده است.» و خبر داده بود که «دو عمل جراحی داشتم که به دستور پزشک ممنوع الملاقات و تحت مراقبت هستم.» توکلی متولد ۱۸ تیر ۱۳۳۹ در تهران، بازیگر سینما و تلویزیون است. او غیر از بازیگری در سال ۱۳۷۷ «سریال «گام آخر» به تهیه‌کنندگی محمدرضا خالقی را کارگردانی کرد که از شبکه اول سیما پخش شد. فیلم کوتاه «۱۶ م. روز مریم» محصول کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نیز از ساخته‌های او است.



سیمون سیمونیان، مدیر دبیرخانه‌سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر پیرو گفت‌وگوی علیرضا داوودنژاد و اعتراض اونسبت به پذیرفته نشدن فیلمش در جشنواره فیلم فجر امسال، توضیحاتی را ارائه کرد. سیمونیان در این یادداشت نوشت: «طی تماس تلفنی، آقای داودنژاد فرمودند گرفتار تولید هستند و اعلام کردند مایل هستند فیلم را به جشنواره ارائه دهند و دبیرخانه نیز نام این فیلم را در فهرست متقاضیان حضور در جشنواره به هیات انتخاب ارائه کرد. طی تماس تلفنی به آقای داودنژاد زمان بندی و آخرین مهلت بازبینی توسط هیات انتخاب را به اطلاع ایشان رساندم و چند روز مانده به پایان کار هیات انتخاب، در آخرین تماس تلفنی متوجه‌شدم که ایشان در فرودگاه مشغول فیلمبرداری فیلم خود هستند و فرمودند راش‌ها هنوز قابل ارائه به هیات انتخاب نیست و اینجانب برپایان مهلت بازبینی تاکید کردم.» وی اضافه کرد: «تاکید ایشان مبنی‌بر اینکه هنوز در انتظار فصل سرما برای ادامه و تکمیل فیلمبرداری هستیم بیش از پیش متعجب‌مان ساخت.» سیمونیان در بخش انتهایی این یادداشت‌نوشت: «دبیرخانه جشنواره با قطعیت نامه‌به‌جانب آقای داودنژاد اطمینان می‌دهد، هیچ تماسی، اضافه‌تر از آنچه‌ایشان داشته‌ایم با هیچ فیلمسازی برقرار نشده‌است.»

سلطان کاغذ چگونه دستگیر شد؟



سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره چگونگی دستگیری سلطان کاغذ گفت: «اواخر شهریورماه سال جاری کار گروه کاغذ با حضور اعضای صنف و دستگاه‌های مختلف دولتی و همچنین دبیرخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل شد. ۶ ماه نخست فعالیت این کارگروه به تنظیم ثبت سفارش و تخصیص ارز اختصاص داشت. در این جریان احساس می‌شد پاره‌ای از اتفاقات که شاید تدبیر وافی راقی آنها پیش‌بینی نشده بود، رخ داده است. از همان زمان مجموعه دستگاه‌های دولتی و همچنین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی لیست افرادی را که توانسته بودند ارز دریافت کنند را در اختیار داشت. بنابراین این اسامی با هدف بررسی چگونگی هزینه‌از راه‌های تخصیص یافته‌به‌مأموران قضایی و امنیتی منتقل شد. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ادامه داد: «طی سه‌ماهه گذشته اقدامات لحظه‌به‌لحظه در یک فضای شفاف و سامانه‌مربوط به کاغذ دنبال شده است و همچنین فهرست افرادی که از وزارت سمت و بانک مرکزی تاییدیه گرفته‌اند مشخص است.» وی افزود: «علاوه‌بر این، میزان واردات و توزیع کاغذ در سامانه ثبت شده است و در مقایسه با ۶ ماه گذشته نیز حرکت‌های نظارتی از این قبیل افزایش یافته است.»

کوچک‌سازی نمایشگاه کتاب تهران



امیرسمعود شهرام‌نیا، عضو شورای سیاستگذاری سی‌ودومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در گفت‌وگو با خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، بزرگ شدن نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران را یکی از آسیب‌های جدی آن در طول این ۳۲ سال دانست و گفت: «در این سال‌ها نمایشگاه کتاب به‌شکل جدی مشکل جاداشته؛ چرا که بسیار گسترده شده است و در این میان لازم است بگویم که گسترده شدن لزوماً به معنای مفیدبودن آن نیست.» شهرام‌نیا تاکید کرد: «در این زمینه معتقدم لازم است گسترگی فضای فیزیکی و ساختار و نیروی انسانی و هزینه‌های نمایشگاه کتاب تهران مورد بازبینی قرار گیرد و وجوه را ند آن حذف شود.» وی با اشاره‌به اقدامات شورای سیاستگذاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران برای کوچک‌سازی این نمایشگاه گفت: «در این زمینه شورا وارد شده و قرار است که اسامال اقداماتی انجام شود تا روند کوچک‌سازی نمایشگاه با جلوگیری از اخلال در بخش‌های مختلف اجرایی شود.» شهرام‌نیا با بیان اینکه منظور ما از کوچک‌سازی حذف فروش نیست، گفت: «ما نیازمند آنیم که نمایشگاه در فضای فیزیکی قابل استفاده برگزار شود و در این میان به کارکرد حرفه‌ای آن بیشتر از کارکرد اقتصادی‌اش کمک شود.»